

تولید سلسله مستندهای روایت مشهد

سلسله مستندهای روایت مشهد به همت فرهنگ‌سرای بهشت سازمان فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد تولید می‌شود. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری مشهد، در این پروژه که دارای سه بخش ادبیات، ورزش و هنر است، هویت شهر مشهد از ابعاد مختلف مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد، به صورتی که در مستند «چشمه روشن» که مربوط به بخش ادبیات بوده درباره زندگی دکتر غلامحسین یوسفی و نقش او در ادبیات مشهد- و استان در مدت زمان ۳۰ دقیقه پرداخته خواهد شد. همچنین دو مستند ۱۵دقیقه‌ای در بخش ورزش ساخته می‌شود که یکی از آن‌ها درباره حشمت مهاجرانی پر افتخارترین مربی فوتبال استان خراسان و دستاوردهای او با نام «حشمت خراسان» است و دیگری مستند «پیل ابدی ایران» نام دارد که به زندگی و افتخارآفرینی‌های پهلوان احمد وفسادار می‌پردازد. «پس‌کوپه‌های فوتبال» با نگاه به تیم‌های ریشه‌دار اوبسلم و پیام نیز از دیگر بخش‌های این سلسله مستند است که به صورت مجزا ساخته می‌شود. در بخش هنر نیز به موضوع تماشاخانه و سالن‌های تئاتر قدیمی مشهد پرداخته می‌شود و گریزی به افراد تأثیرگذار در تئاتر مشهد نیز صورت گرفته‌است، این بخش به صورت پارت‌های ۳ دقیقه‌ای به منظور بازنشر در فضای مجازی تهیه و تولید خواهد شد.

تمدید مهلت ارسال آثار به جشنواره ققنوس

معاون خدمات شهری شهرداری مشهد، از تمدید مهلت ارسال آثار به اولین جشنواره عکاسی و نقاشی ققنوس، باهدف حمایت از پرندگان شهر مشهد خبر داد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری مشهد، مهدی یعقوبی با اعلام این‌ خبر گفت: فراخوان اولین جشنواره عکاسی و نقاشی ققنوس از ۱۵ بهمن سال گذشته منتشر شد و تا نیمه فروردین امسال که فرصت ارسال آثار اعلام‌شده بود، بیش از ۴۰۰ اثر عکاسی و نقاشی از هنرمندان مشهدی به دبیرخانه این جشنواره ارسال‌شده است. به گفته او با توجه به استقبال خوب هنرمندان از این جشنواره و نیز اوج گرفتن دوباره بیماری کرونا در شهر مشهد و اعمال ممنوعیت ورود به بوستان‌های شهری به‌عنوان یکی از زیستگاه‌های اصلی پرندگان شهر مشهد- و بنا به درخواست هنرمندان، مهلت ارسال آثار به این جشنواره تا ۱۵ تیر تمدید شد.

معاون خدمات شهری شهرداری مشهد همچنین بیان کرد: این جشنواره در دو بخش عکاسی و نقاشی با موضوعات «کبوتر حرم»، «حمایت از پرندگان به‌ویژه در روزهای سرد زمستان» و «پرندگان شهر مشهد» برگزار می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند در دو بخش عکاسی در دو سطح حرفه‌ای و موبایلی و در بخش نقاشی در دو سطح بزرگ‌سالان و کودکان آثار خود را به دبیرخانه این جشنواره ارسال کنند.

یعقوبی یادآور شد: هنرمندان و علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت شیوه‌نامه شرکت در جشنواره و نحوه ارسال آثار، به آدرس اینترنتی معاونت خدمات شهری شهرداری مشهد به نشانی **Services.mashhad.ir** مراجعه کنند.

اکران آنلاین «هنر و تجربه» آغاز می‌شود



سه فیلم مستند «خنده در تاریکی»، «شهر سوخته» و «کیارستمی و عصای گمشده» از چهارشنبه هشت اردیبهشت در صفحه ویژه هنر و تجربه در سایت هاشور به اکران آنلاین درمی‌آیند. به گزارش روابط عمومی موسسه هنر و تجربه، «خنده در تاریکی» ساخته مژگان خالقی مستندی درباره سیر تحولات تاریخ تئاتر اصفهان از آغاز تا امروز است. زنده‌یاد پرویز پورحسینی گویندگی گفتارمتن این فیلم را برعهده داشته است. مستند «شهر سوخته» ساخته ناصر پویش درباره منطقه شهر سوخته زایل است؛ شهری که یکی از بلندترین تمدن‌های دوران سپیده‌دم تاریخ را داشته‌است مستند «کیارستمی و عصای گمشده» به کارگردانی محمودرضا ثانی روایتی از نوع نگاه کیارستمی به زندگی و سینماست.

محمد کارت «باغی» را می‌سازد



سریال «باغی» به کارگردانی محمد کارت و تهیه‌کنندگی سید مازیار هاشمی، به‌زودی با اخذ مجوزهای قانونی پیش‌تولید رسمی خود را برای پخش در شبکه نمایش خانگی آغاز می‌کند. پارسا پیروفر و طناز طباطبایی که هر دو سال‌هاست بازی در سریالی را نپذیرفته‌اند، در «باغی» نقش‌آفرینی خواهند کرد. نگارش فیلم‌نامه این سریال از سوی پدرام پورامیری، حسین دوماری و محمد کارت در یک سال گذشته انجام شده و مدتی است به پایان رسیده است. این تیم تجربه نگارش فیلم‌نامه فیلم سینمایی «شنای پروانه» را نیز با یکدیگر در کارنامه خود دارند. به‌زودی اسامی تعدادی از بازیگران سینما که حضورشان در این سریال قطعی شده است به همراه دیگر عواملی که در این پروژه همکاری می‌کنند، به صورت رسمی اعلام خواهد شد.

شهریار

روزنامه شهرامید ورزشکی

۲۳شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۹۹ شماره ۳۳۷۰

۱۰

فرهنگ و هنر

گفت‌وگو باحیدر کاسبی، درباره مجموعه

شعر جدیدش «آب تا زانوی مترسک» که روایت دوام‌آوردن در برابر رنج‌های زندگی است

شاعر به مرگ فکر می‌کند، چون زندگی رادوست دارد



لیلا کوچک‌زاده

l.kouchakzadeh@shahraranews.ir

سپیدسراییی‌های حیدر کاسبی، در مجموعه شعر «آب تا زانوی مترسک» به نوعی روایت عصیان و تلاش برای «دوام آوردن» در زندگی و «شناسن دوباره زیستن» است.

این شاعر اهل چناران که متولد سال ۱۳۵۳ است و چند سالی از سکونتش در مشهد می‌گذرد، حضور و هم‌نشینی با شاعران مشهدی را در روحیه و طبع شعری‌اش تأثیرگذار می‌داند. در حالی‌که خود را بومی چناران می‌داند و در شعرهایش پایبند به این بومی‌گرایی است. او سه سال داور جایزه استانی شعر روستا در چناران بوده و همچنین در این شهر مسئول «انجمن ادبی سپیداران» است و هفت سال چراغ این محفل را تا به امروز روشن نگه داشته است.

کاسبی سرودن را به طور حرفه‌ای نزدیک به ۱۵سال پیش با شعر کلاسیک شروع می‌کند و بعد به سمت شعر نیمایی می‌رود و آن را پلی میان شعر کلاسیک و سپید می‌سازد.

نخستین مجموعه شعر او «جهان بی تروستای کوچکی ست»، در سال ۱۳۹۱ با انتشارات سخن گستر مشهد، منتشر شده و به چاپ دوم رسیده است. «آب تا زانوی مترسک» هم مجموعه شعرهایی سپید او مربوط به سال‌های ۹۲ تا ۹۹ است که اواخر سال گذشته از سوی انتشارات نگاه وارد بازار شد. در ادامه درباره ویژگی‌های مجموعه شعر تازه منتشر شده کاسبی با او به‌گپ‌وگفت پرداخته‌ایم.

● شما در استفاده از موقعیت‌های مکانی و جغرافیایی خاص مانند آنچه در شعر «تردید» آمده: «دنبال گل‌های پیراهنی را گرفتم و اضافه‌شدم به اتوبوس پاکستانی‌ها در «تی بی تی» سابق»، بیشتر به دنبال برانگیختن حس نوستالژیک مخاطب هستید یا هدف دیگری را دنبال می‌کنید؟

این سؤال خوبی است که می‌تواند جواب بهتری داشته باشد. هیچ وقت شاعر در لحظه سرودن، برنامه خاصی برای شعر و مخاطبش ندارد که بخواهد حس نوستالژیکی را هم تحریک کند. آن زمانی که شاعر در فضای شاعرانه قرار می‌گیرد، واقعاً به هیچ چیزی فکر نمی‌کند. یکی از ویژگی‌های شعر سپید همین است که در لحظه سرودن، انگار شما یک طبقه بالاتر از زمین قرار می‌گیرید و شاید این لحظه در کتاب در ۱۰ صفحه بیاید اما یک صفحه‌اش همان چیزی است که شما به آن اشاره کردید. من آن لحظه واقعاً شعر نوشته‌ام که در آن نوستالژی و حسرت بوده و حتی سرکشی. همین است که گفته‌ام «از جان زندگی چه می‌خواستم؟»

این را هم بگویم یکس از بهترین شعرهای من که خیلی‌ها به آن حس خوبی داشته‌اند، همین شعر «تردید» است که در زمان رفت و آمدهای من از مشهد به چناران از «تی بی تی» شکل می‌گرفت؛ با مینی‌بوس‌های آن سال‌ها.

● تصاویر به کار رفته در شعرهای شما، ریشه در خاطرات کودکی‌تان دارد؟ آیا چنین رویکردی، می‌تواند



نقطه قوتی برای شعر محسوب شود؟

در این باره شما را ارجاع می‌دهم به صحبتی از استاد کلاهی‌اهری. ایشان می‌گوید «بهترین فضاها برای آدم جایی است که کودکی‌ات در آن گذشته باشد. البته به شرطی که دوباره به آن فضا برنگردی.» در واقعیت این نگاه جواب می‌دهد. اما در شعر برعکس عمل می‌کند. یعنی در شعر، دائم به کودکی برمی‌گردی. بهترین شعرهایی هم که تا به حال سروده شده مربوط به بخشی از شخصیت شاعران بوده که در کودکی‌شان گیر کرده‌اند. حسین پناهی این‌گونه است. استاد کلاهی‌اهری، من و خیلی از شاعران دیگر، این موضوع گریزناپذیر است. خوب وقتی شاعر به سر حمله‌ای می‌رسد که از لحاظ فلسفی و جهان‌بینی پاسخ‌روشنی ندارد، کودکی‌اش پرنگ می‌شود و به وضعیت مطلوب گذشته گریز می‌زند. شاید اگر وضعیت فعلی خوب باشد شاعر هم به گذشته کاری نداشته باشد.

● اما بازگشت به گذشته چقدر می‌تواند پاسخگوی مسائل و دغدغه‌های امروز باشد؟

بیشتر یک فرار رو به عقب است؛ یک خلسه و شاید خوب هم نباشد و فقط در لحظه به شما تسکین دهد. موقت و زودگذر، چون بیرون که می‌آیی دوباره با واقعیت روبه‌رو می‌شوی.

● یکی از دل‌مشغولی‌های شما در «آب تا زانوی مترسک»، پرداختن به مقوله مرگ است. در چند شعر هم ترس بدمردن را به تصویر کشیده‌اید: «خوشم نمی‌آید با دهان باز مرده باشم، در حالی‌که بالای سرم ایستاده‌ام...» این ترس‌ها از کجاست و آیا این نگاه در ادامه همان مرگ‌اندیشی شاعران دیگر است؟

قطعاً. مگر می‌شود شاعر مرگ اندیش نباشد. مرگ را خیلی وقت‌ها ستایش کرده‌اند. بله آن ترسی که گفتید، هست ولی در کل، چون زندگی را دوست داری، به مرگ فکر می‌کنی. یک چیز وقتی خیلی زیباست، شما به زوالش فکر می‌کنید. هر چیزی هم زیباتر باشد، زوالش زودتر است. مانند گل که چند روز بیشتر عمر نمی‌کند. زندگی هم آن قدر زیباست که آن زوال به ذهن شاعر می‌آید و ذهنش را درگیر می‌کند. اتفاقاً مرگ‌اندیشی در این شعر، نه تنها نقطه منفی نیست که می‌تواند

پیدا می‌کند. روایت عشق، هم‌زمانی روایت تاریخ و تخیل و دیالوگ‌های تأثیرگذار و طرح روشن از ویژگی‌های کتاب عشق مقدس است.

«کیستی‌ای سوار زردمی‌ازرق چشم که هر باامداد کنار نخلستان ما اسب می‌تازی و چشم به خانه ما می‌دوزی؟» داستان با این جمله آهنگین و وصفی شروع می‌شود که با فضاهای تاریخی و عاطفی اثر مناسب است و تا پایان هم باهمین آهنگ‌باقی می‌ماند. نویسنده با هم‌زمانی روایت‌ها، ارادت خود را به حسین (ع) نشان داده: ضمن اینکه راهی برای گسترش داستان خود و فرار از کلیشه‌های همیشگی‌اش یافته است. گرچه عشق ناگهانی محمد به حمیرا در یک نگاه و دیدارهای اتفاقی در ادامه و پایان غم‌انگیز داستان، نشانه از همان کلیشه‌های متداول داستان‌های مستعان دارد. اما موضوع اینجاست که این دوروایت، در راویو ذهنم تنیده نشده‌اند. مستعان با تعریف چند جریان به دنبال هم و رساندن آن‌ها به نقطه اتصال، سبک همیشگی خود را تکرار کرده‌است و این خبر از ناکامی نویسنده از اتصال روایت عاشورا با روایت اصلی می‌دهد و مستعان را در حد یک گزارشگر تاریخ باقی می‌گذارد. چنانکه شخصیت اصلی داستان محمد در

مثبت هم باشد.

● شما می‌گویید زندگی آن قدر زیبا هست که در برابر مرگ و نیستی دوام بیاوریم و «دوام آوردن» و «شناسن دوباره زیستن» به پربسامترین مضمون در شعرهای شما تبدیل شده است. این نگاه شما به شرایط امروزی جامعه هم که گرفتار کرونا شده، بسیار نزدیک است. تلاش ناخودآگاه مردم برای دوام آوردن در برابر بیماری و مرگ، نظر خودتان در این باره چیست؟

اشاره خوبی کردید. چیزی شبیه به کرونا همیشه در زندگی‌ام بوده است. شاید کرونا آمده و مرا شبیه بقیه کرده است. کتاب حال و هوای کرونا را دارد اما ربطی به آن ندارد و سرایش کتاب هم قبل از کروناست. این را بدون اغراق می‌گویم، کرونا خیلی تأثیری در زندگی شخص من نداشته است. نه تنها روی زندگی من که روی زندگی شاعران دیگر هم نداشته است. چون شاعران واقعی به مرگ فکر می‌کنند و این ترس بزرگی برای آن‌ها نیست، پدیده تازه‌ای هم برای یک شاعر نیست. شاید فقط کرونا به آن اضافه شده اما چالش اساسی برای من و جهان‌بینی‌ام نبوده است.

● اما این همه امید زیستن و دوام آوردن برای چه چیزی؟ در صورتی‌که در اشعار شما، ظاهراً برنامه خاصی هم برای ادامه راه نیست؟

پاسخش خیلی ساده است؛ زیستن در لحظه حال. شاید یکی از نقاط قوت شخصیت و جهان‌بینی من همین باشد. آن قدر که در جهان حال زندگی می‌کنم و در امروز غرق هستم، هیچ برنامه‌ای برای فردا ندارم. چون به امروز فکر می‌کنم و به این می‌بالم. این شاید از نظر خیلی‌ها نارایک باشد اما از نظر من و بسیاری از شاعران دیگر نه.

● اتفاقاً الان آدم‌ها دنبال این هستند که «در حال زندگی کنند» و حتی به نوعی برای خیلی‌ها دغدغه شده است چون دقیقاً راهش را هم نمی‌دانند. «در حال زندگی‌کردن» چگونه اتفاق می‌افتد؟

به نظر من این یک هنر است. من نمی‌خواهم از خودم تعریف کنم اما این هنر را وقتی یداد گرفتم که ویران شدم. من بهایش را قبول داده‌ام. من نوعی، سال‌های زیادی رنج کشیده‌ام. باید ویران شوی تا آباد شوی. این ویژگی طبیعت هم هست. هنری که به این سادگی به دست نمی‌آید. اما وقتی به دست بیاوری، آن قدر سرخوش و سبک می‌شوی که می‌توانی در لحظه حال زندگی کنی.

● در شعر شما به خوبی این موضوع دیده می‌شود. «آب تا زانوی مترسک» در ستایش زندگی است. اما به نظر می‌رسد این ستایش با مرور زیبایی‌ها و خوبی‌ها اتفاق نیفتاده و شاعر، روی تلخ و درشت زندگی را دیده و حالا به ستایش زندگی و فرصت زنده‌بودن مشغول شده است. با این نظر چقدر موافق هستید؟

«دوام آوردن» هنر خیلی بزرگی است. شاعر یا هنرمند آدم معمولی نیست. سؤال‌های اساسی به ذهنش می‌آید و می‌زند به دل سؤال‌ها و نمی‌ترسد. او دم دست ترن راه را هم انتخاب نمی‌کند و همین است که منجر می‌شود به دوام آوردن. واقعاً اینکه شما بتوانی دوام بیاوری شاهکار است. «تا بدانجا رسید دانش من که بدانم همی که نادانم.» بسا همه نادانی، سرخوشی داشتن. حتی اگر چشم‌انداز پیش روی شما روشن نباشد اما شکر گزار لحظه‌های خوب باشی و چه چیزی بهتر از این سرخوشی‌های سبکبارانه. آیا این سیاست‌گذاری ندارد؟

داستان فقط دوبار با امام حسین (ع) گفت‌وگو می‌کند. آن هم گفت‌وگویی کوتاه. جریان داستان در یک بازه زمانی طولانی - نزدیک به ۳سال - اتفاق می‌افتد که گاهی این جریان‌ها به سرعت تعریف و تکمیل و گاهی به شیوه نمایشی روایت می‌شوند. بیشتر مواقع نویسنده با صراحت و مستقیم به موعظه می‌پردازد و بی‌درپی جملاتی شورانگیز می‌آورد که البته در کنار توصیف‌های زیبای داستان، دل‌پذیری می‌نماید و چشم مخاطب را بر ایرادهای داستان می‌بندد و لرزشی بر پشت مخاطب ایجاد می‌کند. طرح اصلی عشق مقدس بسیار ساده و روشن است. در واقع صحبت از دو طرح است. یکی روایت عشق محمد است و دیگری وقایع عاشورا و طرح اصلی عشق لطمه‌ای به طرح تاریخی زده‌است. مطمئناً در تاریخ محمد بولسی وجود ندارد اما امام حسین (ع)، باران دلاور بسیاری چون محمد داشته که حاضر بوده‌اند به خاطر رهبرشان. بار و دیار خود را ترک کنند. مستعان عشق زمینی (عشق محمد به حمیرا) و عشق آسمانی (عشق به رهبر و جهاد) را در کنار هم قرار می‌دهد و بیک‌انداز از هر دومی گوید. به‌طوری که هیچ کدام فدای دیگری نشود و هر کدام راهی برای شناخت دیگری‌باز کنند.

پیدا می‌کند. روایت عشق، هم‌زمانی روایت تاریخ و تخیل و دیالوگ‌های تأثیرگذار و طرح روشن از ویژگی‌های کتاب عشق مقدس است. «کیستی‌ای سوار زردمی‌ازرق چشم که هر باامداد کنار نخلستان ما اسب می‌تازی و چشم به خانه ما می‌دوزی؟» داستان با این جمله آهنگین و وصفی شروع می‌شود که با فضاهای تاریخی و عاطفی اثر مناسب است و تا پایان هم باهمین آهنگ‌باقی می‌ماند. نویسنده با هم‌زمانی روایت‌ها، ارادت خود را به حسین (ع) نشان داده: ضمن اینکه راهی برای گسترش داستان خود و فرار از کلیشه‌های همیشگی‌اش یافته است. گرچه عشق ناگهانی محمد به حمیرا در یک نگاه و دیدارهای اتفاقی در ادامه و پایان غم‌انگیز داستان، نشانه از همان کلیشه‌های متداول داستان‌های مستعان دارد. اما موضوع اینجاست که این دوروایت، در راویو ذهنم تنیده نشده‌اند. مستعان با تعریف چند جریان به دنبال هم و رساندن آن‌ها به نقطه اتصال، سبک همیشگی خود را تکرار کرده‌است و این خبر از ناکامی نویسنده از اتصال روایت عاشورا با روایت اصلی می‌دهد و مستعان را در حد یک گزارشگر تاریخ باقی می‌گذارد. چنانکه شخصیت اصلی داستان محمد در

گروه هنر - «عشق مقدس» قصه قدیمی حسینی‌قلی مستعان، روایتی از عشق محمد بن بولس نصرانی به حمیرا است که نویسنده با محور قراردادن ماجرای عشق این دودلداده، حادثه عاشورا و عشق بازی‌های دوستداران حسین (ع) را روایت می‌کند تا نگاهی متفاوت از عشق چیزی که در دیگر داستان‌های مستعان به شدت رنگ کلیشه گرفته را به نمایش بگذارد. روزی «محمد بن بولس» در میان نخلستان‌های مدینه، شیفته دختری به نام «حمیرا» می‌شود و به خواستگاری‌اش می‌رود اما او از این عشق برحذر می‌دارند زیرا که او برای همسری یزید، سفارش شده است و در قبال این وصلت، یزید حکمرانی مدینه را به پدرش خواهد داد. در همین هنگام، امام حسین (ع) و یاران او به کوفه عزیمت می‌کنند اما محمد آشفته و بی‌قرار، پدرتر از حادثه عاشورا به کربلا می‌رسد و همراه با مردمانی که حقیقت واقعه کربلا را درک کرده‌اند، به دنبال کاروان اسیران می‌رود تا به شام برسند.

همینجاست که عاشق و معشوق دوباره یکدیگر را در شام ملاقات می‌کنند. اما هر دو در پی اهداف انقلابی خود هستند و به اسیران کربلا خدمت می‌کنند و باقی ماجرا همچنان تا رسیدن به پایانی دراماتیک ادامه

نگاهی به کتاب «عشق مقدس»

داستان قدیمی حسینی‌قلی مستعان

ارادت‌ی به اسیران کربلا



گروه هنر

کتاب «مردم‌شناسی موسیقی مقامی خراسان: نواحی جنوب و شرق» اثر پژوهشی مجتبی قیطاقی ازسوی انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شد. به گزارش خبرگزاری مهر، این پژوهش، تلاشی برای معرفی هنرمندان خراسان و موسیقی مقامی آن با استفاده از منابع میدانی است و از همین مسیر، فرهنگ رویکرد مردم‌شناسی در موسیقی نواحی خراسان را مورد بررسی قرار می‌دهد. کتاب «مردم‌شناسی موسیقی مقامی خراسان: نواحی جنوب و شرق» هم‌چنین، نگاهی همه‌جانبه به موسیقی و تأثیر

آن در آیین‌ها، شادی‌ها، غم‌ها، تولد، مرگ و سبک زندگی هنرمندان و مردم دارد. رابطه موسیقی مقامی با زیست‌بوم خراسان و بررسی اثرات آن در باورها و اعتقادات مجریان شاخص آن، ازجمله موارد دیگری است که در این کتاب به آن پرداخته شده است. نویسنده در این کتاب با اقرار به اینکه خراسان پایتخت موسیقی مقامی ایران است، این موسیقی را مرهون هنرمندان و نوازندگانی می‌داند که در قرون متمادی این هنر را با تمام ظرافت و راز و رمزهای آن به صورت سینه‌به‌سینه از استادان خویش آموخته و به همین شاگردان پس از خود آموزش داده‌اند. به همین دلیل بررسی ویژگی‌های فردی و خاصه‌های هنری این افراد را، از طریق مصاحبه و گفت‌وگو با آن‌ها، در دستور کار خود قرار می‌دهد.

سازشناسی و معرفی موسیقی مقامی شرق و جنوب خراسان از دیگر اهداف انجام این پژوهش است و بخش‌هایی نیز به شناخت منابع ادبی ازجمله روایات منقول، منظومه‌های حماسی، قصه‌ها، افسانه‌ها و... اختصاص دارد که در ترانه‌ها و آوازهای موسیقی این نواحی ظهور و بروز یافته است. این پژوهش همچنین با توجه به عجبین‌بودن موسیقی مقامی خراسان با حرکات موزون، تلاش می‌کند تا حد امکان به برخی از این حرکات موزون آیینی و هنرمندان مجری آن اشاره کند و ویژگی‌های منطقه‌ای آن‌ها را برشمارد. کتاب «مردم‌شناسی موسیقی مقامی خراسان: نواحی جنوب و شرق» مشتمل بر ۶ فصل است که فصل اول آن، به سرقامختصاص دارد. فصل دوم با عنوان «موسیقی در خراسان،

به خصوصیات کلی موسیقی در استان خراسان می‌پردازد. «موسیقی بومی و مقامی شرق خراسان»، «موسیقی بومی و مقامی جنوب خراسان» و «میراث‌داران، مقام‌پردازان و هنرمندان موسیقی جنوب و شرق خراسان» عناوین فصل‌های سوم تا پنجم هستند که در آن‌ها، به تفصیل و به‌طور جداگانه، موسیقی مقامی شرق و جنوب خراسان بررسی می‌شود و سپس در فصل پنجم، به هنرمندان این موسیقی در این مناطق پرداخته می‌شود. فصل ششم و پایانی این کتاب نیز، گزارش تصویری از هنرمندان این اقالیم را شامل می‌شود. کتاب «مردم‌شناسی موسیقی مقامی خراسان: نواحی جنوب و شرق» در ۲۰۱ صفحه، مصور و با بهای ۲۳ هزار تومان وارد بازار نشر شده است.



کتاب «مردم‌شناسی موسیقی مقامی خراسان» منتشر شد